



سبک همکاری

چه کنیم با این همه تیم تنبل؟

## همه ما عضو تیم بزرگ شهروندی هستیم

**■ مر ضحیه بامبری**

وقتی می‌گوییم تیم حتماً فوئبال، بسکتبال و بازی‌های جمعی در ذهن تان می‌آید، وقتی از نتیجه می‌گوییم، می‌خواهید آمار مدال‌های جهانی تیم‌های قهرمان را بدهید. مثلاً کشتنی فرنگی یا مدال آوران کاراته، ولی تیم که فقط برای ورزش نیست هر کاری که بنشود با حضور بیش از یک نفر انجام داد، کار گروهی به شمار می‌آید. همه جای دنیا روی کار تیمی حساب و یژه‌ای باز می‌کنند، چرا که باعث تقویت خلاقیت و ایجاد نشاط در افراد گروه می‌شود و نقاط مثبت آنها را در کنار استعداد دیگر اعضا شکوفا می‌کند. کار تیمی یا گروهی ایده‌آل‌ترین حالت یک رابطه است. فرقی نمی‌کند در اداره باشد یا خانه و حتی ساید مدرسه. اگر نکات کار تیمی در هر کدام به خوبی رعایت شود، بهترین نتیجه‌ها حاصل می‌شود، ولی می‌خواهیم بدانیم چرا تیم‌ها تنبل هستند؟ چرا وقتی کارها از انفرادی به گروهی تبدیل می‌شود یک عده فعال‌تر و یک عده منفعل می‌شوند و از زیر کار در می‌روند.

■ ■ ■

**یک کار گروهی تمام‌عیار و عاشقانه**

بایبید از کار گروهی در خانه آغاز کنیم؛ هسته مرکزی جامعه و در عین حال کوچک‌ترین نهاد تربیتی که می‌تواند آغازگر آموزش‌های مؤثر در شناخت گسروه و مزیت‌های آن باشد. تصور عمومی بر این است که زنان تحت هر شرایطی وظیفه دارند امور خانه‌داری را به بهترین نحو انجام دهند. فرض کنید مرد و زنی هر دو شاغل باشند و هر دو با هم به خانه برسند. در چنین شرایطی فکر می‌کنید چه اتفاقی می‌افتد؟ آقا دنبال ورزش گرفتن و استراحت می‌رود، ولی بانوی خانه با همه خستگی باید به امور شام و تحصیل فرزندانش برسد و خانه را برای روز بعد مرتب و مهیا کند. کدام قانون می‌گوید اصلاً اگر غرورتان اجازه نداد و کاری نکنید، اما سه روز میز شام نشنستید، آیا حاضرید عواقب بعدش را تحمل کنید؟ آیا حاضرید کم‌بشعاطی، بی‌حوصلگی و ناله‌های ناشی از خستگی همسر تان را بپذیرید؟ اگر گاهی آشپزی را تقبل کنید یا گاهی خانه را جارو بکشید، چیزی از قدرت مردانه

### راه‌نما

شما کم نمی‌شود در عوض دل همسر تان را به دست آورد و مستقیم کودکتان را به آموزش کار گروهی سوق داده‌اید. او مشارکت و همکاری را در عمل یاد می‌گیرد نه در قصه‌های شبانه خرسی و خانوم خرگوشه که وجود خارجی ندارند. یاد می‌گیرد صبور باشد. یاد می‌گیرد اگر خانه کثیف و بهم ریخته باشد اعصاب همه خانواده خرد می‌شود و برای همه مشکل پیش می‌آید، پس باید وظایفش را به خوبی انجام دهد. بد نیست گاهی یک موسیقی بگذارید و در آن تایم همه مشغول جمع کردن خانه‌شود. یا مطمئن باشید بچه‌ها از دستخست‌گاه و بیگانه پدرهایشان خوشحال می‌شوند. دقت کرداید مر ده‌اوقتی تنها هستند و خانه مجردی دارند تمام وظایف خود را انجام می‌دهند و بهداشت شخصی پای خودشان است؛ حتی آشپزی و اتو، ولی بعد از ازدواج همه این مسئولیت‌ها روی دوش مادر خانه می‌افتد، درست به همین دلیل او از زندگی می‌نالند و مدام غرولند می‌کند. انتظار دارید شما خستگی و تلاش برابش را در ک کنید؛ این یعنی یک کار گروهی تمام‌عیار و البته عاشقانه! . مادرها به تنهایی جور کم‌کاری شما را می‌کشند. پس راه دوری نمی‌رود اگر شما هم یک قدمی بردارید.

**تیم‌های مدرسه و کار گروهی**

بچه‌ها قرار است با هم یک روزنامه دیواری درست کنند. هر کسی منقbl می‌شود یک وظیفه‌ای انجام دهد، ولی همیشه یک نفر هست که کارهایش را تا روز آخر کش می‌دهد و خیالش راحت است که هم‌گروهی‌هایش مجبورند برای کسب نمره خودشان جور کم‌کاری او را بکشند. پس کار تیمی اگر نهادینه نشود، ممکن است به تنبلی اعضای تیم بینجامد. اگر در گروه سرود یکی صدایش بلرز با یکی تپق بزند، کار همه گروه زیر سؤال می‌رود، ولی در مواقع بسیاری شاهد هستیم عده‌ای از دانش‌آموزان همخوان متن خود را لب‌خوانی می‌کنند و هر جا بلند نیستند فقط لب تکان می‌دهند. باید بچه‌ها یاد بگیرند کار گروهی می‌تواند خوب و مؤثر باشد، ولی به همان اندازه هم می‌تواند آسیب‌زننده باشد. تیم می‌تواند مانع پرورش خلاقیت اعضا شود، اگر مدیر گروه مسئولیت‌ها را به درستی تقسیم نکند. آنها به افراد فعال وابسته می‌شوند و آدم‌های مسئولیت‌پذیری نمی‌شوند. همین‌ها بعداً کارمند اداره می‌شوند و حاضر

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۸۴۷۱

### سبک نگرش



چرا خویشتن فردای ما یک بیگانه است؟

## آن آدم ۲۰ سال آینده «من» نیستم!

مایکلنیم تیم فغان بنوشند. پروین می‌گوید ما به خویشتن آینده خود چنان می‌اندیشیم که به دیگران می‌اندیشیم؛ به‌صورت سوم شخص.

گسستگی بین خویشتن کنونی ما و خویشتن آینده‌ما پیامدهایی جدی برای چگونگی تصمیم‌گیری‌هایمان دارد. ممکن است افعال کاری را انتخاب کنیم و بگذاریم، بنسخه‌ای دیگر از خویشتن ما از پس مسائل یا کارها برآید. یا می‌توانیم، همانند مثال پارفیت درباره پسر سیگاری، بر آن نسخه‌ای از خویشتن خود تمرکز کنیم که لذت می‌برد و خویشتنی را که هزینه می‌پردازد، نادیده بگیریم، اما اگر افعال کاری یا مسئولیت‌ناپذیری می‌تواند

فیلسوف انگلیسی «درک پارفیت» در کتاب «دوران‌سازش دلایل و اشخاص» دیدگاهی شدیداً تقلیل‌گرایانه درباره هویت فردی ارائه می‌دهد: هویت وجود ندارد. حداقل نه در آن معنایی که ما معمولاً آن را در نظر می‌گیریم. طبق استدلال پارفیت، ما آدمیان هویتی واحد نیستیم که در طول زمان پیش می‌رود، بلکه زنجیرهای از خویشتن‌های متوالی هستیم که هر یک با خویشتن‌های قبلی و بعدی تماس می‌شود و در عین حال از هر دو متمایز است. درباره پسری که شروع به سیگار کشیدن می‌کند به‌رغم اینکه می‌داند، ممکن است که چند دهه بعد بر اثر این عادت دچار رنج و بیماری شود، نباید قضاوت‌های سخت‌گیرانه کرد، زیرا از دیدگاه پارفیت «این پسر خود را با خویشتن آینده‌اش یکی نمی‌داند. نگرش او به این خویشتن آینده از جهاتی مانند نگرش او به دیگران است.»

دیدگاه پارفیت حتی بین فیلسوفان نیز مناقشه‌انگیز بوده است، اما روالفلسه‌ان اندک‌اندک از آن بازمانده به این حقیقت پی می‌برند که شاید این دیدگاه دقیقاً نگرش ما را نسبت به تصمیم‌گیری‌های خودمان توصیف می‌کند. واقعیت این است که ما به خویشتن آینده خود همچون یک بیگانه می‌نگریم. اگر چه ما به طرز ی گریزناپذیر در سر نوشت فردی شریک خواهیم بود که یک دهه بعد، یک ربع بعد یا بیشتر به آن تبدیل خواهیم شد، اما این در برای ما ناشناخته است. این امر توانایی ما را در انجام انتخاب‌های خوب از طرف آن خویشتن‌ها که البته از طرف خودمان است، سلب می‌کند. آن تصمیم‌های امیدبخش و درخشان را در آغاز سال نو در نظر بگیرید. اگر شما کاملاً خود را در فراموش کردن آن تصمیم‌ها محق می‌دانید، شاید بدین دلیل باشد که احساس می‌کنید آن تصمیم‌ها در آن سباز لایس‌های محلی چه کار دارد جز خرید و نکته و تیمی‌ترین کاری که در ایران انجام می‌شود و اغلب باید به راهی اعتماد کنند و احترام بگذارند، مقوله انتخابات است، ولی اغلب یکدیگر را برای انتخاب اشتباه شمامت می‌کنند و خودشان را میرا از خطا می‌دانند و این چرخه معیوب مدام تکرار می‌شود.

ایاز میدارد. ا عمل صالح هم خب کار است دیگر، عمل است. تحرک است، فعالیت است، اگر ضجر بود یا کسل، انسان این عمل صالح را انجام نمی‌دهد. بعد فرمود: «فَأَنْكَبَ ابْنُ صَرْطَرٍ لَمْ تَعْبِرَ عَلٰی حَقِّ» آن نقطه اصلی را امام (س) مورد توجه قرار می‌دهند. ما حالا به جوانب قضیه می‌پردازیم. امام (ع) آن اصل مطلب را، نقطه اساسی مورد توجه قرار می‌دهند؛ می‌فرماید اگر «صِجْرَتٌ»، یعنی اگر بی‌حوصله شدی، بر حق صبر نمی‌کنی. یک راه حقی یک کلمه حقی است، یک مسیر حقی است که شما آن را انتخاب کنی؛ وقتی دچار بی‌حوصلگی شدید، پایداری در آن نمی‌کنید. یک مقداری سخت می‌گذرد، مشکل درست می‌شود، بی‌حوصله می‌شوید، رها می‌کنید.

بی‌حوصلگی خاصیتش این است که انسان بر حق باید پایداری و پافشاری کند، بر سر حق بماند، انسان از این محروم میماند. وقتی که انسان آن دچار ضجر و دچار همین حالت ملالت و بی‌حوصلگی شد، بر حق پافشاری نمی‌کند. فَأَنْكَبَ ابْنُ صَرْطَرٍ لَمْ تَعْبِرَ عَلٰی حَقِّ وَ ابْنُ كَيْسَلٍ لَمْ تُوَدَّ حَقًّا وقتی دچار «کسل» یعنی تنبلی شدی، آن وقت حق را ادا نمی‌کنی، آن کاری را که باید انجام دهی، حتی را که باید ادا کنی، آن را ادا نمی‌کنی به خاطر تنبلی؛ به خاطر تن‌پروری و تنبلی.

**گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در ابتدای جلسه درس روز سه‌شنبه ۱۳۹۵/۹/۱۶**

ما همگی درون یک تیم بزرگ به نام شهروند قرار داریم. قرار است هر کدام وظیفه خود را به درستی انجام دهیم. تا محیطی امن و سالم داشته باشیم، ولی آیا همه ما به وظایف خود عمل می‌کنیم؟ چند درصد از ما بابتی مسئولیتی تمام‌زبانه‌ها را تا دم سطل می‌بریم، ولی آن را بیرون سطل می‌گذاریم؟ چند نفر از ما تفکیک‌زبانه را جدی می‌گیریم؟

محله را بوی آشغال برداشته، ولی هیچ‌کس این افتضاح را گردن نمی‌گیرد. در نهایت همه چیز به مأمور شهرداری ختم می‌شود...

■ ■ ■

دست خودمان باشد یا تنهایی هزینه کنیم و مخالف نظر گروه عمل کنیم. درست مثل والدین که روز معلم متفق‌القول می‌شوند که یک هدیه مشترک به معلم بدهند و همه به یک اندازه هزینه کنند، ولی فردا یک عده از بچه‌ها کادوهای تکی خودشان را هم می‌آورند و قصد دارند در چشم‌همین آموزش مجازی این روزها که اغلب خانواده‌ها برویم همین آموزش‌های وقت‌همین سؤال می‌پرسد یک عده خیالشان راحت است که بچه زرنگ‌ها جواب می‌دهند و او از روی جوابشان کبی می‌کند. این دانش‌آموزان هیچ وقت به خودشان زحمت نمی‌دهند در گروه فعال باشند، همیشه منتظر نتیجه کار دیگران هستند حتی اگر اشتباه آنها را تکرار کنند.

**کم‌کاری در تیم‌های شهروندی**

ما همگی درون یک تیم بزرگ به نام شهروند قرار داریم. قرار است هر کدام وظیفه خود را به درستی انجام دهیم تا محیطی امن و سالم داشته باشیم، ولی آیا همه ما به وظایف خود عمل می‌کنیم؟ چند درصد از ما بابتی مسئولیتی تمام‌زبانه‌ها را تا دم سطل می‌بریم، ولی آن را بیرون سطل می‌گذاریم؟ چند نفر از ما تفکیک‌زبانه را جدی می‌گیریم؟ محله را بوی آشغال برداشته، ولی هیچ‌کس این افتضاح را گردن نمی‌گیرد و در نهایت همه چیز به مأمور شهرداری ختم می‌شود.

می‌گویند که دلیل آلودگی هوا کمتر از خودروی شخصی استفاده کنید. می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی با همان تکرارنشده‌ها مصاحبه کنید، می‌نالند که چرا هوا آلوده است؟ چرا مردم از حمل و نقل عمومی استفاده نمی‌کنند؟ وقتی با مردم کوچ و خیابان‌مصاحبه می‌شود که چگونه باید کرونا را مهار کرد؟ می‌گویند مردم کمتر به مراکز خرید غیرضروری و سفر بروند، ولی هیچ‌وقت نمی‌فهمیم خودش در آن سباز لایس‌های محلی چه کار دارد جز خرید؟

می‌گویند که دلیل آلودگی هوا کمتر از خودروی شخصی استفاده کنید. می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی با همان تکرارنشده‌ها مصاحبه کنید، می‌نالند که چرا هوا آلوده است؟ چرا مردم از حمل و نقل عمومی استفاده نمی‌کنند؟ وقتی با مردم کوچ و خیابان‌مصاحبه می‌شود که چگونه باید کرونا را مهار کرد؟ می‌گویند مردم کمتر به مراکز خرید غیرضروری و سفر بروند، ولی هیچ‌وقت نمی‌فهمیم خودش در آن سباز لایس‌های محلی چه کار دارد جز خرید؟

می‌گویند که دلیل آلودگی هوا کمتر از خودروی شخصی استفاده کنید. می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی با همان تکرارنشده‌ها مصاحبه کنید، می‌نالند که چرا هوا آلوده است؟ چرا مردم از حمل و نقل عمومی استفاده نمی‌کنند؟ وقتی با مردم کوچ و خیابان‌مصاحبه می‌شود که چگونه باید کرونا را مهار کرد؟ می‌گویند مردم کمتر به مراکز خرید غیرضروری و سفر بروند، ولی هیچ‌وقت نمی‌فهمیم خودش در آن سباز لایس‌های محلی چه کار دارد جز خرید؟

می‌گویند که دلیل آلودگی هوا کمتر از خودروی شخصی استفاده کنید. می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی با همان تکرارنشده‌ها مصاحبه کنید، می‌نالند که چرا هوا آلوده است؟ چرا مردم از حمل و نقل عمومی استفاده نمی‌کنند؟ وقتی با مردم کوچ و خیابان‌مصاحبه می‌شود که چگونه باید کرونا را مهار کرد؟ می‌گویند مردم کمتر به مراکز خرید غیرضروری و سفر بروند، ولی هیچ‌وقت نمی‌فهمیم خودش در آن سباز لایس‌های محلی چه کار دارد جز خرید؟

می‌گویند که دلیل آلودگی هوا کمتر از خودروی شخصی استفاده کنید. می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی با همان تکرارنشده‌ها مصاحبه کنید، می‌نالند که چرا هوا آلوده است؟ چرا مردم از حمل و نقل عمومی استفاده نمی‌کنند؟ وقتی با مردم کوچ و خیابان‌مصاحبه می‌شود که چگونه باید کرونا را مهار کرد؟ می‌گویند مردم کمتر به مراکز خرید غیرضروری و سفر بروند، ولی هیچ‌وقت نمی‌فهمیم خودش در آن سباز لایس‌های محلی چه کار دارد جز خرید؟



می‌رسد، آن اشکال را دفع می‌کند، باز اشکال دیگری به نظرش می‌رسد، باز یک راه جدیدی به نظرش می‌رسد. حوصله این است. انسان از نیروی ذهنش استفاده می‌کند. نیروی بدنی هم همین‌طور است. گاهی انسان به‌خاطر بی‌حوصلگی از قوای بدنی استفاده نمی‌کند. حوصله‌اینقدر اهمیت دارد. این ضجر که فرمودند، بی‌حوصلگی و ملالت، دل‌زدگی اینها هم‌هاش یکی است، در واقع ایجاد یک حالت است که هر کدام یک بخشی از این حالت را بیان می‌کند. تنبلی هم همین‌طور است، تنبلی هم مثلاً اینکه فرض